

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن - المان
سوم جنوری ۲۰۰۹

مشعل درد

برکت ، تازه گلی ، داده به آب برکت
شهر دل ، یکسره بنموده خراب برکت
زانکه با قافیه و ، وزن و ، ردیف و ، سیلاب
محشری کرده به پا ، نغز جواب برکت
خویش را دیده در آئینه تدبیر ، مرا
وصف بنموده ، به رنگ و به زکاب برکت
من که یک ذره ناچیزم و ، او ، بحر سخا
این گدا ، از کرمش ، غرق ثواب برکت
پرسش شد ز جوابش چو معمای دگر
شکوه نا کرده چرا ؟ ثبت کتاب برکت
لیک در پاسخ شان ، راز نهان میبینم
شور لایلا ، سر مجنون ، حساب برکت
ضربه تیشه فرهاد ، نداند خسرو
شوق شیرین به دل افتاد ، ز خواب برکت
دامن یوسف بیچاره ، دریدن دارد
تهمت بست زلیخا ، به قطاب برکت
بلبلان را چه خوشست ، نغمه سرایی به چمن
نرگس و ، نسترن و ، یاس و ، گلاب برکت

شمع در ماتم پروانه ، به تن می دوزد
 جامه از اشک وفا ، با تب و تاب برکت
 مشعل دردم و ، از شعله بی باک نفس
 جگرم ، پاره و خونین و کباب برکت
 برگ خشکیده پائیزم و ، دُورم ز چمن
 کرده شاداب مرا ، چنگ و رباب برکت
 دست گلچین فلک ، گرچه مرا پرپر کرد
 غنچه تازه ام از لطف سحاب برکت
 حال ، از مطلب اصلی ، سخنی میرانم
 گر پسند افتد و ، گردد به مُجاب برکت
 به پس پرده اگر نیست خبر های دگر
 ز چه بر نام (خلیل) است نقاب برکت
 یکی (مسعودی) و دیگر شده گر (معروفی)
 وای ، زان دم که شود خرق حجاب برکت
 کرده منعم که دگرفاش نسازم رازش
 ورنه با (لندی) جانانه ، جناب برکت
 حکم تکفیر کند صادر و ، بر گردن من
 حلقه دار شود خام ، طناب برکت
 « نعمتا » هرچه دهد دوست ، غنیمت میدان
 لعن و طعن و عسل و زهر و شراب برکت